

بودن ما براي يك نبودن است

- از هر افتادني درس مي آموزيم و استوارتر برمي خيزيم، و تا براندازي اين دستاربندان جنبش ادامه دارد.
- اين حكومت از نظر كميت، عنصرى تجزيه ناپذير و از نظر كيفيت جاني و سارق است، كه با خيمه شب بازي و ترفندهاي گوناگون تا امروز جنبش براندازي ملت ايران را خنثي نموده است.
- ملت ايران ديگر فريب جناح سازي هاي درون حكومت را نخواهد خورد و براي رسيدن به استقلال و آزادي، مردم سالاري، رفاه، عدالت اجتماعي و غرور و افتخار ملي از مرز براندازي عبور خواهد كرد.
- حكومت اسلامي همچون يك غده سرطاني ايران را بيمار نموده است و تنها علاج آن جراحي و نابودي اين غده بدخيم است.
- در ره منزل ليلي كه خطرناست بجان، شرط اول قدم آنست كه مجنون باشي.

چرا براندازي؟

هيئت تحريره نشریه پارس پس از حادثه جانخراش سوء قصد يك مزدور حكومت اسلامي به رهبر سازمان پارس و شوراي براندازي، نامه هاي متعدد همدردی دریافت نمود و از طریق تلفن و EMail از داخل و خارج کشور بسیاری از هم میهنان ما را مورد مهرباني قرار دادند و پشتیباني خود را از جنبش براندازي اعلام نمودند كه نخست باید از تمام هم میهنان سپاسگزاري كرد و بعد هم چون در بسیاری از تماس ها آمده بود كه چرا براندازي و چگونه براندازي انجام مي پذيرد، ما بهتر دیدیم كه يك مصاحبه کوتاه با دكتر آرمان نوري داشته باشیم، چرا كه هم با اين وسيله ایشان با خوانندگان ما مستقيم گفتگو ميکنند و هم اينكه در اين مقطع زماني صريحاً نظريات خود را در اين زمينه بيان ميدارند.

س - آقاي دكتر نوري با خواست ايزد يكتا و نيايش هم میهنان فرهيخته و ايران دوست، شما از مرگ حتمي نجات پيدا كرديد، آیا باز هم به فعاليت هاي سياسي عليه حكومت اسلامي ادامه ميدهيد؟

ج - بله، تا جان در بدن دارم. يا بايد زنده بود و در داخل ايران ستم، فساد و نكبت رژيم را تحمل كرد و در خارج، شرمساري و بي آبرويي، و يا بايد تا آخرين قطره خون در راه رسيدن به هدف كه همان استقلال و آزادي و بازگردانيدن شرف ايراني است جانبازي كرد. ما نسلي هستيم كه وظيفه خطيري داريم يعني مبارزه تا انهدام حكومت اسلامي، پس از آن البته ميتوانيم تاريخ را ورق بزيم و به برگهاي زرين آزادي و دموكراسي دست يابيم. در اين رابطه بايد ما از هر افتادني درس بيايم و استوارتر بر خيزيم و جنبش را تا براندازي اين دستاربندان ادامه دهيم.

س - قبل از اينكه سئوال اصلي خود را در مورد براندازي مطرح كنيم ميخواستيم بدانيم تحليل سياسي شما از وضع موجود ايران چيست؟

ج - بازي است آشفته از ترفندهاي حكومتي براي گمراه كردن مردم ايران و جهان.

خميني مردم ايران را گول زد تا آنها شورش كنند و رژيم موجود را سرنگون سازند تا او به حكومت برسد و آنرا به ميراث به بقيه آخوندها بدهد. اين خط سياسي درست پس از انقلاب شروع شد و تا امروز بدون هيچ درنگ و تغييری ادامه دارد، يعني حكومت جنايت، دزدي و وطن فروشي.

س - اجازه ميخواهم سخن شما را قطع كنم. در اين كه اين حكومت جنايتكار و دزد است حرفي نيست ولي وطن فروش از كدام مقوله است.

ج - پس از جنگ با عراق تنها خمینی برای پاک کردن لکه ننگی که بر تاریخ ایران گذاشت این بود که جام زهر نوشید و بس، ما با عراق در حالت نه جنگ نه صلح هستیم زیرا هنوز قرارداد رسمی صلح بین دو کشور منعقد نشده و بهمین جهت عراق به خود اجازه می دهد که چندین هزار کیلومتر مربع از خاک میهن ما را همواره در تصرف داشته باشد، مگر وطن فروشی شاخ و دم دارد؟ در این رابطه هم یکی از سلاطین گذشته در اثر بی لیاقتی و ساده اندیشی 14 شهر قفقاز را، بیگانگان از او گرفتند. وطن فروشی همیشه با قصد و نیت قبلی نیست بلکه گاهی نظیر همین مورد

ریشه در عدم توان دولت در حفظ استقلال و تمامیت ارضی دارد، و این دولت و حکومت چون فاقد هرگونه خاستگاه مردمی است و تا بحال برای خاک میهن هیچ گونه نگرانی و مسئولیتی حس نکرده است، از این گذشته واگذاری بخشی از خاک زاویه جنوب شرقی ایران بطور محرمانه به پاکستان، و از دست دادن حقوق ملت ایران در دریای خزر که هرگز در تاریخ برای ما جبران پذیر نخواهد بود، و نباید فراموش کرد که سه جزیره تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی نیز سرنوشت مبهم و غم انگیزی دارد و ناگهان خواهید شنید که پیرو یک زد و بند سیاسی و سوء استفاده مالی این حکومت این جزایر را خیلی ارزان بفروشد، وطن فروشی یعنی همین نمونه ها.

س - حال برگردیم به اصل قضیه.

ج - بله این حکومت پس از انقلاب چند دوره داشت: یکی اینکه انقلاب یا بهتر بگوئیم شورشی که مشحون بود از آدمکشی و بگیر و ببند و غارت اموال مردم، بعد هم جنگ و ظهور عنصر خبیثی بنام رفسنجانی که با سیاست تعدیل اقتصادی و تروریست خارج و داخل کشور را اداره کرد و هنگامی که مردم آزاد از او و حکومت اسلامی او به تنگ آمدند، خاتمی را علم کردند تا چند سالی چاشنی انفجار رژیم را خنثی کنند. امروز دیگر این عروسک خیمه شب بازی هم آبرو باخته و بی تأثیر شده و تاریخ مصرف آن گذشته است. آنها برای خاتمی سه دوره مشخص برای تحکیم حکومت اسلامی برنامه ریزی کردند. در بخش اول با تبلیغات و سناریو گفتند که مخالفان او و محافظه کاران نمی گذارند اصلاحات انجام دهد، بخش دوم او را بحال خود رها کردند و در اثر بی کفایتی و بی لیاقتی مثل شمع آب شد و در بخش سوم او ذات خود را نشان داد و برای تحکیم ولایت در آن مستحیل شد و در این هنگام همانگونه که از قبل پیش بینی کرده بودیم و بارها گفته بودیم این حکومت از نظر کمیت عنصری تجزیه ناپذیر و از نظر کیفیت جانی و سارق است که با خیمه شب بازی و ترفندهای گوناگون تا امروز جنبش براندازی ملت ایران را خنثی نموده است.

س - خب، نتیجه چه میشود؟

ج - اینکه حالا آمده اند روحانیت غیرسیاسی را بزرگ کنند! نامه آیت الله طاهری و جواب مسخره خامنه ای و همچنین یاهو گوئی های کروی و تأیید همه اینها از طرف خلخالی و بیانات دکتر هاشم آجاری یکی از رهبران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی «حجتیه» که اصلاح طلب نامیده می شود و دوباره از دکتر علی شریعتی مدد گرفته برای انحراف افکار عمومی تا همکار وی سعید حجاریان «حجتیه» که از طرف دستگاه امنیتی اصلاح طلب شده است و بقیه یاران او مصباح یزدی و محمد یزدی و معاود عراقی (محمودی شاهرودی) که بر دستگاه عدالت ایران تکیه زده است همگی می خواهند این حکومت تروریست اسلامی را حفظ کنند. و باید گفت که همه این تظاهرات، تولد جبهه تازه ای است تا مردم با انتخاب و گزینش آنها در حکومت، تغییری ظاهری بدهند بدون آنکه به اصل نظام لطمه وارد شود، ولی باید بدانند که این جبهه نیز قبل از تولد مرده بدنیا آمده است، زیرا مردم ایران از حکومت روحانیان و ملایان ناراضی هستند و در مقام تأسیس یک رژیم عرفی که غیرمتکی به مذهب و باصطلاح لائیک است می باشند، و ملت ایران دیگر فریب جناح سازی های درون حکومت را نخواهد خورد و برای رسیدن به استقلال و آزادی، مردم سالاری، رفاه، عدالت اجتماعی و غرور و افتخار ملی از مرز براندازی عبور خواهد کرد.

س - از نظر شما در این دوره چگونه می توان مردم را همسو کرد و اصولاً چه باید کرد؟

ج - در ایران و در خارج دو گروه هستند با دو راه حل. گروه اول میگویند باید کاری کرد که دست بر ترکیب نظام نخورد و در داخل همین چارچوب کمی به مطالبات مردم پاسخ داده شود یعنی ادامه همان راه خاتمی با رنگ و

جابجایی قدرت های داخل حکومت یعنی مردم می توانند آزاد بایندیشند ولی حق بیان و کنش دموکراسی را ندارند و ما به آن می گوئیم آزادی اندیشه ولی سرکوب آزادی بیان و قلم و کنش بطریق دموکراسی حکومت اسلامی. این گروه که خود را اصلاح طلب می نامند از اپوزیسیون غیرواقعی خارج گرفته تا نیروی سوم و روحانیت سیاسی و غیرسیاسی و عوامل سناریوی دوم خردادی تشکیل شده است و می خواهند باصطلاح جامعه را از دست تندروها بگیرند. پاسخ اینست که مگر در شرایط فعلی جامعه را چه کسانی اداره می کنند؟ اصلاح طلبان که سوپاپ اطمینان برقراری ولایت فقیه و همه محافظه کاران هستند و همواره در شرایط زمانی بحرانی یک مجموعه را تشکیل داده اند.

گروه دوم که شامل همه جنبش های مترقی، نهضت های روشنفکری، ایرانیان میهن پرست و آشنا به مسائل و روابط سیاسی هستند عقیده دارند که این رژیم در ذات و گوهر خود کثیف، رذل و خبیث است و هرگز قابل اصلاح نیست و تغییر درونی آن و دعوت مردم به حفظ آرامش حربه افراد دغل و دودوزه بازیکن است که می خواهند چند روز دیگر قیام ملت ایران را به تأخیر بیاندازند و حکومت را با همین شرایط لرزان بر سر پا نگاه بدارند.

در نتیجه گروه دوم واقع بینانه و از روی تجربه سخن می گویند و براندازی را زمینه ساز دموکراسی و استقلال و رفاه ملی می داند، آنها می گویند حکومت اسلامی همچون یک غده سرطانی ایران و مردم ایران را بیمار نموده است و تنها راه علاج آن جراحی و نابودی این غده بدخیم است.

س - من با توضیحات شما قانع نشدم که براندازی حتمی و اجتناب ناپذیر است؟

ج - ببینید من یا شما که در خارج هستیم نمی توانیم بطور عملی در داخل کشور حکومت را سرنگون کنیم، این رسالت تاریخی مردم ایران است، باوجود دو جریان بسیار مساعد در ایران، اول وضع بسیار بد اقتصادی مردم و بی سامانی در اداره اقتصاد کشور که نتایج آن فحشا، نانتدرستی، بیکاری، تورم، اعتیاد، فساد و اختلاف طبقاتی کمرشکن می باشد، خود زمینه ساز همه جنبش های رهایی بخش می باشد، و دوم افزایش شعور سیاسی مردم ایران و اندیشه مبارزه برای گرفتن حق خود که در مراحل سیاسی و اقتصادی به اوج خود رسیده است، و دریافته اند که یکبار و بطور عملی و ناگهانی باید از شر این غده مرگ آور حکومتی خلاص شد. آنها میدانند که همه داروهای مسکن که تجویز می شود مانند گفتار درمانی و غیره، نسخه هایی است که خود نظام نوشته است، و تنها راه درمان این غده سرطانی، از بدن خارج نمودن و به زباله دان تاریخ افکندن آن است.

س - حال شما چگونه از این عوامل موجود بهره برداری میکنید؟

ج - من هرگز در طول عمر خودم و در هیچیک از شئون زندگی اعم از شغلی و سیاسی در مقام بهره برداری نبوده ام و سعی کرده ام بهره به اطرافیان و جامعه و مردم خود بدهم، زندگی گذشته و شرایط فعلی من گواه این امر است. در اینجا باید سؤال شما را تصحیح کنم و بگویم چگونه میشود این عوامل را متحد و منسجم و همسو نمود، تا تمام نیروها در مسیری قرار بگیرند که پایان راه به براندازی ختم شود. ما سالهای متمادی است که در این کار فعالیت و تجربه داریم و یقین داریم که با تاکتیکهای شورایی براندازی میتوانیم موجبات رسیدن به استراتژی که همان سرنگونی و اضمحلال کامل رژیم اسلامی است فراهم آوریم که در پی آن، ایران فردایی داشته باشد با استقلال، آزادی، آبرو و بهروزی و برای رسیدن به آن از شاعر شیرین سخن خود حافظ مدد می گیریم که می گوید:

در ره منزل لیلی که خطر هاست بجان

شرط اول قدم آنست که مجنون باشی

دکتر آرمان نوری

پیروز باد جنبش براندازی ملت ایران